

حجاب و برخی شبهات پیرامون آن

صدیقه‌سادات رضوی^۱

چکیده

حجاب به معنای پوشش، از تکالیف واجب مسلمانان است و از اموری است که قابل پذیرش همه ادیان و مذاهب است. بر هر یک از زن و مرد مسلمان لازم است در تعاملات اجتماعی خود با پوشش شرعی ظاهر شوند تا در پرتو آن کیان خانواده و اجتماع مصون بماند. نوشتار حاضر درصدد بیان مسأله حجاب و شبهات وارد بر آن و پاسخ‌گویی به این سؤال است که ماهیت حجاب چیست و شبهات وارد بر آن کدامند؟ در بررسی این پرسش چنین حاصل شد که حجاب و پوشش موجب سلامتی و امنیت روانی خانواده و اجتماع می‌شود و مانع حضور زن در اجتماع یا سبب سرکوبی غرایز و نادیده گرفتن حقوق وی نیست.

واژگان کلیدی: حجاب، زینت، پوشش.

۱. مقدمه

حجاب یک امر فطری است و پیش از اسلام نیز وجود داشته است، اما با ظهور اسلام تکمیل شده است. در فرهنگ مسلمانان پوشش از مهم‌ترین اعتقادات آنان به شمار می‌رود که به‌عنوان یک دستور دینی بر مسلمانان واجب شده است و در آیات و روایات بسیاری بر آن تأکید شده است. داشتن حجاب و پوشیده بودن از نگاه دیگران نیاز به استدلال خاصی ندارد، ولی در محدوده این پوشش اختلاف نظر دیده می‌شود و ریشه این اختلاف، گاه در نوع نگرش اجتماعی است که جلوی ندای عفاف را می‌گیرد، و گاه در نفس سرکش انسان. از نظر اسلام حجاب ریشه در عفاف و عفاف نیز ریشه در حیای نهفته در ضمیر انسان دارد. ولی متأسفانه مخالفان حجاب زن، سعی کرده‌اند که جریانات ظالمانه و یا جاهلانه‌ای را علت پیدایش حجاب ذکر کنند تا به این نتیجه نزدیک شوند که حجاب عملی جاهلانه یا ظالمانه است. بعضی برای حجاب ریشه اجتماعی مانند میل به ریاضت و رهبانیت قائلند و بعضی، ریشه اقتصادی مانند پدرشاهی و تسلط مرد بر

۱. دانش‌پژوه کارشناسی ارشد فقه خانواده، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، از هندوستان.

زن و استثمار نیروی زن در جهت منافع اقتصادی مرد؛ و برخی دیگر ریشه اخلاقی مانند حسادت و خودخواهی مردها را ذکر کرده‌اند. ولی واقعیت این است که ریشه این پدیده را باید در یک تدبیر ماهرانه غریزی خود زن جستجو کرد. عفاف، ستر، حیاء و پوشش تدبیری است که خود زن با یک نوع الهام برای گران بها کردن خود و حفظ موقعیت خود در برابر مرد به کار برده است نه در میل به ریاضت و نه حسادت و خودخواهی مردانه و نه پدرشاهی.

از میان معانی مختلفی که زبان شناسان برای واژه حجاب برشمرده‌اند، می‌توان به دو معنای اصلی آن اشاره کرد که عبارتند از: مانع و حائل میان دو چیز؛ و ستر و پوشش. (اصفهانی، ۱۴۲۴ه.ق، ص ۲۱۹) در اصطلاح، معنای محدودتری برای «حجاب» بیان شده است و منظور از آن پوشش ویژه‌ای است که مانع از نگاه نامحرمان به او و یا مانع انگیزش تمایل جنسی مردان باشد. (مطهری، ۱۳۸۱، ۱۹/۴۳۰) به نظر می‌رسد هر دو معنای لغوی با یکدیگر مرتبط بوده و در واقع پوشش خود نوعی مانع و حائل است و معنای اصطلاحی حجاب نیز اخص از معنای لغوی آن است. خاستگاه معنای اصطلاحی حجاب برخی آیات و روایات است، مانند آیه ۳۱ از سوره مبارکه نور که در آن فرمان پوشش برای بانوان مؤمن صادر شده است:

وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلَا يَضْرِبْنَ خُمْرَهُنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرْتِبَاعِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعاً أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ .

۲. گونه‌های حجاب بر اساس آیات حجاب

۲-۱. حجاب در پوشش

بر اساس آیات قرآن شیوه پوشش نباید موجب جلب توجه دیگران و یا برانگیخته شدن تمایلات شود، خداوند متعال می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأُزْوَاجِكُمْ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُوراً رَحِيماً» (احزاب: ۵۹). دستور پوشش و فرو انداختن چادر یا روسری به زنان مؤمن شده است تا شناخته نشوند و مورد آزار قرار نگیرند.

۲-۲. حجاب گفتاری

زن مسلمان باید در گفتار خود با مردان نامحرم به شیوه‌ای سخن بگوید که موجب ایجاد طمع

در قلب‌های بیمار نشود. چنانچه خداوند متعال در خطاب به زنان پیامبر ﷺ آنان را از سخن گفتن نرم با مردان نهی می‌کند: «یا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا» (احزاب: ۳۲).

۲-۳. حجاب رفتاری

«وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى...» (احزاب: ۳۳)، طبق این آیه شریفه، خداوند متعال زنان را از داشتن رفتاری که موجب جلب توجه دیگران می‌شود، نهی کرده است. مسئله مورد توجه در این پژوهش، پوششی است که معنای عامی دارد و در مورد بانوان مشمول پوشش بدن، آرایش و جواهرآلات می‌شود و از آن جا که هر سه آنها در مورد زنان زینت محسوب می‌شوند، زن مسلمان باید این سه را در معرض نمایش نامحرم قرار ندهد. آیه شریفه «...وَلَا يَبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا...» (نور: ۳۱)، بر آن دلالت دارد. از این رو لباس‌های نازک و بدن نما حتی اگر تمام بدن را بپوشاند، استفاده از وسایل آرایش در برابر مردان و نمایان کردن زیورآلات برای غیرمحارم حتی با پوشش کامل، پوشیدن لباسی که در نزد نامحرم زیباتر جلوه کند، نیز پوشیدن لباس اندام‌نما و لباس‌های لخت را حتی برای مردها، جایز نمی‌داند و همه از مصادیق آشکار کردن زینت است و مخالف دستور حجاب است.

۳. قلمرو پوشش در اسلام

دین اسلام مقدار پوشش لازم را برای زن و مرد مشخص کرده است. اگرچه اصل مسئله پوشش بر اساس عفاف است، ولی مقدار و کیفیت آن تنها متکی به مسئله عفاف نیست؛ زیرا حکمت‌های دیگری چون مصونیت و حفظ جامعه از گناه و... در آن لحاظ شده است. مطابق نظر بسیاری از فقها، بر مردان پوشاندن سر، گردن، صورت و دست‌ها تا جایی که معمولاً نمی‌پوشانند لازم نیست (سایت رهبری، سؤالات متداول، واژه پوشش مردان) و زنان باید تمام بدن را بجز دست‌ها تا مچ و گردی صورت را از نامحرم بپوشانند (البته عده‌ای از فقها ستروجه و کفین را لازم می‌دانند و در این مسأله هر کس باید به مرجع تقلید خود رجوع کند). واضح است مقدار پوشش برای مردها در حد زنان نیست و این به دلیل اهمیتی است که به آنان داده شده است؛ چرا که خداوند زن را زینت معرفی کرده است، نه مرد. و زینت چون مورد توجه است نیاز به حراست دارد. بنابراین حجاب زنان یعنی حراست از زینت تا از گزند غارت‌گران محفوظ بماند و هم حراست جامعه از نگاه هوس‌آلود است؛ چراکه این نوع نگاه موجب هیجان شهوت و در نتیجه گناه و معصیت می‌شود. ویژگی عفاف در زنان قوی‌تر از مردان است تا رعایت عفاف بر زنان هموار باشد و از آسیب‌های

بی‌حجابی (هم زن و هم جامعه) مصون باشند. گوهرگران بهایی چون زن وقتی در صندوق الهی حجاب قرار داشته باشد از دستبرد دزدان و غارت‌گران و آلودگان به لجن معصیت و گناه در امان خواهد بود. حجاب مصونیت و نشانه حیا و ارزشمندی است. در زمان رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ افرادی در تاریکی مزاحم زنان می‌شدند، و جبرائیل امین عَلَيْهِ السَّلَام آیات ۵۹ سوره احزاب را بر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نازل کرد و فرمود:

ای نبی به زنان و دختران و زن‌های با ایمان بگو خود را با جلباب بپوشانند (پارچه‌ای که سراسر بدن را می‌پوشاند) که این امر باعث می‌شود که نامحرمان مزاحم آنان نشوند؛ زیرا آنان با حجاب به آزاد بودن و یا به تقوا و صلاح شناخته می‌شوند. بنابراین، مورد اذیت قرار نمی‌گیرند.

۳-۱. مسئله شرعی درباره وجه و کفین

در عموم رساله‌های عملیه در مورد مسئله پوشش آمده است که زن باید بدن و موی خود را از نامحرم بپوشاند، بلکه احتیاط واجب آن است که بدن و موی خود را از پسری هم که بالغ نشده، ولی خوب و بد را می‌فهمد و به حدی رسیده که مورد نظر شهوانی است، بپوشاند. در برخی رساله‌ها آمده است که پوشش وجه و کفین برای زن لازم نیست، اما این در صورتی است که صورت آرایش نداشته باشد. بنابراین، اگر دختری زنی ابروهای خود را بردارد، چون آرایش صدق می‌کند باید ابروها را از نامحرم بپوشاند و اگر در صورت او آرایش‌های دیگری باشد، لازم است صورت را از نامحرم بپوشاند. و نیز اگر صورت زن خالی از هر آرایشی است، ولی ببیند مرد نامحرمی به او خیره شده و با شهوت نگاه می‌کند، لازم است صورت خود را از او بپوشاند تا کمک در معصیت نباشد.

۴. اشکالات وارد شده بر حجاب

حجاب افزون بر اینکه ریشه در درون پاک آدمی دارد، یکی از دستورات پروردگار متعال است، اما حجاب مانند هر امر مقدس دیگری، مخالفینی دارد عمده اشکالات و شبهاتی که بر حجاب وارد کرده‌اند عبارتند از:

۴-۱. حجاب و اجبار در پوشش زن مخالف آزادی است و با آیه شریفه «لا اکراه فی الدین» (بقره: ۲۵۶) در تناقض است.

پاسخ: منظور از اکراه و اجبار در آیه فوق، در اصل اعتقاد به دین و قبول آن است؛ زیرا دین امر قلبی است و در امور اعتقادی نمی‌توان با اجبار عقیده‌ای را بر دیگری تحمیل کرد. هر دینی دارای شرایع و احکامی است که انسان بعد از پذیرفتن اصل دین، باید پایبند به آنها

باشد. اگر در دین هیچ مسئله اجباری و قانونی نباشد و انسان مختار به انجام هر کاری باشد؛ آمدن کتاب و احکام اسلامی بی معنا خواهد بود.

۲-۴. حجاب و رکود فعالیت

بعضی حجاب را مانعی در برابر فعالیت و پیشرفت می دانند، ولی بسیار واضح است که پوشاندن بدن از نامحرم هرگز نمی تواند مانعی برای فعالیت های مشروع زنان باشد، بلکه آنچه از آن نهی شده است، تبرج و خودنمایی و پوشیدن لباس های تنگ و رنگارنگ است. که بنا بر آیات (ر.ک.، احزاب: ۳۳) و احادیث، فقها تبرج را حرام شمرده اند. به این معنا که هرگونه عملی که زن به منظور خودنمایی، جلوه گری، جلب توجه مردان بیگانه و تأثیر در دل آنان انجام دهد، مصداق تبرج نهی شده قرآنی است؛ هرچند که نمونه ها و مصادیق آن غالباً به تناسب عادات و فرهنگ دست خوش تغییر است. (مصطفوی، ۱۳۶۸، ذیل «برج»)

اگر حفظ حجاب بر زن امر سخت بود و مانع از فعالیت های او می شد، خداوند متعال او را امر به حجاب نمی کرد؛ چراکه «لایکلف الله نفساً الاوسعها...» (بقره: ۲۸۶). انسان هیچ گاه مأمور به انجام تکلیفی نمی شود که قادر به انجام آن نباشد. ضمن اینکه ارزش حفظ عفت و نجابت و رضای خدا خیلی برتر از زحمت ناچیز رعایت پوشش است و هرآنچه که سودش بر زحمتش غالب باشد عقلایی است. و نیز اسلام با خودنمایی و زینت کردن زن مخالف نیست، اما در محدوده خانواده و صرفاً جهت همسر.

۳-۴. حجاب و افزایش التهاب ها

از جمله شبهاتی که به حجاب وارد کرده اند این است که حجاب و پوشش باعث افزایش کنجکاوی و جذب مردان می شود. انسان به چیزی حرص می ورزد که هم از آن ممنوع شود و هم به سوی آن تحریک شود؛ به اصطلاح تمنای چیزی را در وجود شخصی بیدار کنند و آن گاه او را ممنوع سازند. اما اگر امری اصلاً عرضه نشود یا کم تر عرضه شود، حرص و ولع هم نسبت بدان کم تر خواهد بود. اسلام نمی خواهد کشش بین زن و مرد از بین برود، بلکه این کشش باید باشد، اما به صورت تعدیل شده، کنترل شده و قاعده مند، نه رها. حفظ کشش و جذابیت همراه با حریم از کارایی های مهم حجاب است.

۴-۴. بی حجایی و عادی شدن آن

بعضی گفته اند که اگر زن ها حجاب نداشته باشند بعد از مدتی بی حجایی عادی می شود، مانند کشورهای غربی. بنا بر این، نگاه مردها هم عادی و بدون قصد ریبه می شود.

در جواب باید گفت که آنچه خداوند به آن دستور داده است پوشش در برابر نامحرمان است و آنچه از آن نهی کرده است نگاه به نامحرمان است. رعایت نکردن این امر و نهی، نافرمانی و مصداق گناه است و عقوبت را به دنبال خواهد داشت چه بی‌حجابی و نگاه به نامحرم، عادی شود چه نشود.

همچنین چگونه می‌توان تضمین کرد که با رواج بی‌حجابی قوه شهوانی کنترل می‌شود؛ زیرا قوه شهوانی از قوایی است که سیرشدنی نیست و اگر چنین بود می‌بایست تجاوز و بی‌عفتی در کشورها بی‌حجاب دیده نشود در حالی که چنین نیست.

منظور از اینکه نگاه عادی می‌شود، چیست؟ ممکن نیست که مرد از دیدن زنی با بدن نیمه‌برهنه لذت نبرد، چون غریزه شهوت همیشه همراه انسان است. دستورات اسلام بیشتر جنبه پیشگیری از گناه دارد. بنابراین، به زن‌ها دستور پوشش و به مردها دستور نگاه نکردن را می‌دهد. کسی که نگاه نمی‌کند دچار مرض‌های روحی بعدی نمی‌شود.

امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

جوانی از انصار زنی را در مدینه دید و مبهوت او شد. دنبال او حرکت کرد و از قضا استخوان یا شیشه‌ای از دیوار بیرون زده بود صورت او را درید و او متوجه نشد. آن جوان نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و جریان را تعریف کرد. جبرئیل علیه السلام نازل شد و دستور نگاه نکردن به نامحرم صادر شد که این امر باعث پاکیزگی روح و جسم آنان خواهد بود. (حرعاملی، ۱۴۰۶، ۱۹۲/۲۰)

۴-۵. حجاب و سرکوب غرایز

بعضی از روانشناسان سرکوب غرایز شهوانی را باعث بعضی از اختلالات روانی و روحی می‌دانند و حجاب را نوعی سرکوب غرایز دانسته‌اند. در پاسخ می‌توان گفت که اولاً کنترل غرایز شهوانی لازم است وگرنه به بی‌بندوباری می‌انجامد و نام این کنترل است نه سرکوب. ثانیاً نظریه تولید بیماری‌های روانی به دلیل سرکوب سائق‌ها در دوران کودکی از سوی فروید مطرح شده است که این نظریه به شدت مورد انکار روانشناسان معتبر قرار گرفته است. فروید مفاهیمی را درباره مراحل رشد انسان، ذهن بشر و درمان تعریف کرد، ولی این مفاهیم اثبات نشده باقی مانده است. دکتر شیلینگ بیان می‌کند که فروید بیسم هنوز به اندازه کافی از طریق شواهد تجربی عینی حمایت نشده است. البته هنوز آزمایش نشده باقی مانده، نه ثابت شده است نه مردود. (شیلینگ، ۱۳۸۸، ص ۷۵)

مبانی روانشناسی فرویدی نیز توسط آدلرد شد. همچنین به نظر جرالد اس بلوم، بسیاری از گفته‌های اولیه فروید امروزه از ارزش افتاده‌اند. (بلوم، ۱۳۶۳، ص ۴۹) حتی نو فرویدیان که به

نحوی متکی بر مکتب فروید هستند در صحت نظریات فروید تشکیک کرده و آنها را تصحیح یا تکمیل کرده‌اند. فروید اساس بیماری‌های روانی را تمایلات جنسی و آرزوهای ناهوشیار سرکوب شده می‌دانست و این عقیده‌ای بود که در همان زمان مورد انکار شدید و جدی آدلر قرار گرفت. آدلر معتقد بود که انسان‌ها بیشتر تحت تأثیر تفسیرشان از واقعیات هستند تا خود واقعیات در حالی که فروید روان‌رنجوری را ثمره خود واقعیات می‌دانست.

ثالثاً حتی اگر سرکوب‌گرایی با مشکلاتی برای فرد همراه باشد، ولی برداشتن قیود اجتماعی مشکل را حل نمی‌کند، بلکه بر آن می‌افزاید. تجربه و آمار نشان می‌دهد اختلالات روحی و روانی مانند افسردگی در افراد بی‌بندوبار در جوامع بی‌قید غربی بسیار بیشتر از جوامع مذهبی است.

۴-۶. حجاب و تساوی حقوق

برخی چنین اشکال وارد کرده‌اند که حجاب زنان نوعی تبعیض است و مخالف تساوی حقوق زن با مرد است، در پاسخ باید گفت که اولاً حجاب مختص زنان نیست بلکه برای مردها نیز حجاب وجود دارد. ثانیاً زنان و مردان در کنار برخی شباهت‌ها، دارای تفاوت‌های چشم‌گیر و غیرقابل انکاری هستند و هر کدام به تناسب وظایفی که دارند، دارای حقوقی هستند. چگونه ممکن است با وجود تفاوت‌ها، دارای حقوق یکسان باشند؟ قوانین اسلام در پوشش و حجاب زن و مرد مبتنی بر همین تفاوت‌ها است، اگرچه مقدار حجاب زن از مرد بیشتر است، ولی این به نفع خود زن است و این تبعیض‌ها مطابق حکم خرد و برای مصونیت زنان است.

۴-۷. دل باید پاک باشد و ایمان و دین‌داری فقط به رعایت حجاب نیست

این سخن بی‌معنا و بی‌محتوا است و برای فرار از تکلیف به آن چنگ زده می‌شود. پیامبران و امامان معصوم علیهم‌السلام که ما را به راه راست هدایت می‌کردند، پاک‌ترین دل‌ها را داشته‌اند و آنها بیش از همه و پیش از همه اهل عمل بودند. دل انسان پاک به دنبال انجام فرامین الهی است. از جمله این فرامین، وجوب حجاب در برابر نامحرم است و می‌دانیم اعتقادات و ایمان در عمل و کردار باید ظاهر شود. علامت و نشانه دل پاک در گرو ایمان و عمل و تقید به فرایض دینی است. چگونه ممکن است ادعا شود دلی که نسبت به امر خدا بی‌اهمیت است، پاک باشد.

۵. رابطه بی‌حجابی با حیا

بی‌شک کسی که بدن خود را با لباس تنگ، نمایش می‌دهد یا حیا ندارد و یا اگر حیا دارد با این عمل به تدریج حیای او ضعیف خواهد شد. تضعیف حیا یا از دست دادن حیا باعث بر باد

رفتن عقاید و تزلزل ایمان می‌شود، که نتیجه آن کندی در انجام فرایض مانند نماز خواهد بود. در روایات بیان شده است که حیا چسبیده به ایمان است به طوری که اگر حیا برود، ایمان نیز می‌رود. (حرعاملی، ۱۴۰۶، ۱۶۶/۱۲) بنابراین، بی‌حجابی زمینه‌ای را برای تضعیف حیا و تضعیف حیا باعث تضعیف ایمان و دوری از بقیه فرامین حضرت حق خواهد بود.

۶. بی‌حجابی دوری از فرصت‌های معنوی

اثر اساسی و مشترک همه گناهان تاریکی قلب و روح است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «وقتی شخصی گناه می‌کند بر روی قلبش نقطه تاریکی ایجاد می‌شود» (حرعاملی، ۱۴۰۶، ۳۰۳/۱۵؛ مجلسی، ۵۱۴۰۴، ق. ۳۳۲/۷۰)، و اگر تکرار کند این تاریکی بیشتر می‌شود و شاید به حدی برسد که تمام قلب را تاریک کند. انسانی که روح و روانش تاریک شده از عبادت خداوند چندان لذت نمی‌برد و در نتیجه یا از روی عادت عبادت می‌کند و یا در نهایت عبادت را ترک می‌کند. بنابراین، هر گناهی علاوه بر اینکه گناه و باعث عذاب است، زمینه گناهان بعدی و دور شدن از معنویت را ایجاد می‌کند. حجاب بر اساس قرآن کریم امری واجب است که خداوند متعال به آن دستور داده است. بی‌حجابی گناه و معصیت است و باعث خرابی قلب و تاریکی روح می‌شود و این تاریکی، فرصت‌های معنوی را از او می‌گیرد. با برخورد با افراد بی‌حجاب به این حقیقت می‌رسیم که اکثر آنها تربیت دینی نشده‌اند یا در خانواده‌ای بوده‌اند که پایبند مسائل شرعی نبوده‌اند و یا پدر و مادرشان اعتقاد راسخی به حجاب نداشته و این جریان برایشان مهم نبوده است. چنین مربیانی در روز قیامت مورد مؤاخذه قرار می‌گیرند و چنین مربیانی موقعیت‌های معنوی فراوانی را نه تنها از خود بلکه از فرزندان‌شان دریغ می‌کنند.

در واقع افرادی که حجاب را رعایت نمی‌کنند چیزهایی را به دست می‌آورند و از آن لذت می‌برند، مانند احساس زیبایی، خودنمایی، جلب توجه دیگران و مطرح بودن و... اما برخی از چیزهایی که از دست می‌دهند عبارتند از:

الف) خشنودی خداوند و معصومین علیهم السلام: راه کسب خشنودی خداوند عمل به دستورات اوست که یکی از این دستورات حفظ حجاب است. هرکس که خدا از او راضی باشد، اهل بیت علیهم السلام نیز از او راضی خواهند بود؛ چراکه قلب معصومین علیهم السلام محل خواست خداوند است و آنچه خدا بخواهد در قلبشان نقش می‌بندد (نوری، ۵۱۴۰۸، ق. ۴۴۱/۱) و طبق آیه شریفه «وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ اَكْبَرُ» (توبه: ۷۲)، مقام رضایت خداوند از بهشت هم بالاتر است.

ب) نورانیت: هر عمل خوب موجب نورانیت انسان می‌شود. (مجلسی، ۱۴۰۴، ۲۴۳/۲)

ج) **حیاء:** حیا همواره با ایمان هم جوار است به طوری که اگر حیا برود ایمان نیز می‌رود. (حرعاملی، ۱۴۰۶ ه. ق، ۱۲ / ۱۶۶)

د) **آبرو:** زنان و مردان از لحاظ پوشش باید به گونه‌ای باشند که باعث برانگیخته شدن گمان‌های بد نشوند. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «کسی که خود را در موضع تهمت قرار دهد، حق ملامت کسانی را که به او بدگمان می‌شوند، ندارد» (نوری، ۱۴۰۸ ه. ق، ۸ / ۳۴).

ه) **سعادت اخروی:** پیروی از دستورات خداوند متعال باعث سعادت اخروی می‌شود که پایدار و همیشگی است «والآخرة خیر وأبقى» (اعلی: ۱۷). نتیجه بی‌حجابی، سرپیچی از دستور خدا است و عقوبت اخروی را به دنبال دارد. امام علی علیه السلام فرمودند: «خیری در لذتی که بعدش آتش است، نیست» (مجلسی، ۱۴۰۴ ه. ق، ۱۰۰ / ۹۴)

۷. نتیجه‌گیری

حجاب به معنای پوشش مناسب بدن، جواهرآلات و پوشاندن آرایش است و شبهات وارد شده به آن قابل پاسخگویی است؛ زیرا حجاب نه تنها مانع پیشرفت و فعالیت نمی‌شود، بلکه از آلودگی محیط کار جلوگیری کرده و راندمان کاری را افزون می‌بخشد. همچنین پوشش موجب تزیین حقوق زن نمی‌شود، زن نیز مانند مرد حقوقی دارد (اگرچه حقوقشان متفاوت است) که مراعات کردن آنها بر دیگران لازم است و هیچ منافاتی با حجاب او ندارد. در واقع مرد نیز مانند زن باید پوشش مناسب داشته باشد و با هر پوششی نمی‌تواند در اجتماع ظاهر شود و اینکه محدوده پوشش برای زن بیش از مرد است به دلیل محافظت و مصونیتی است که خالق او برایش در نظر گرفته است و مانعی برای رسیدن او به حقوقش نمی‌باشد.

فهرست منابع

* قرآن کریم

۱. اصفهانی، زاغ (۱۴۲۴ ه. ق). المفردات. لبنان: دارالعلم.
۲. بلوم، جرالد. اس (۱۳۶۳). نظریه‌های روانکاوی شخصیت. مترجم: حق نویس، هوشنگ. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۳. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۷ ه. ق). صحاح اللغة. بیروت: دارالعلم للملایین.
۴. حرعاملی، محمدبن حسن (۱۴۰۶ ه. ق). وسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام.
۵. شیلینگ، لوئیس (۱۳۸۸). نظریه‌های مشاوره. مترجم: آرین، خدیجه. تهران: انتشارات اطلاعات.
۶. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ ه. ق). تفسیرالمیزان. بیروت: مؤسسه الوفاء.
۷. مصطفوی، حسن (۱۳۶۸). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۸. مطهری، مرتضی (۱۳۸۱). مجموعه آثار. تهران: انتشارات صدرا.
۹. نوری. میرزا حسین (۱۴۰۸ ه. ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. بیروت: مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام لإحياء التراث.